

از آگیرا تا رؤیای ناتمام

چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر در بخش مستند میزبان آثاری با مضامین اجتماعی، تاریخی، دفاع مقدس و محیط زیستی است.

■ مستند «آگیرا» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی قصه پسر جوانی به نام علی است که متوجه می شود در زمان تولد از بیمارستان ربوده شده و حالا تلاش می کند با پیگیری از کسانی که در شب تولد در بیمارستان حضور داشته اند هویت واقعی خود را پیدا کند.

■ مستند «ارس، رود خروشان» به کارگردانی و تهیه کنندگی هادی آفریده به رود ارس به عنوان طولانی ترین رود مرزی ایران می پردازد.

■ مستند «اشغال جزایر» به کارگردانی و تهیه کنندگی داوود مرادیان اثری پژوهشی و تحلیلی است که با رویکردی تاریخی و ژئوپلیتیکی به موضوع اشغال جزایر ایرانی در خلیج فارس می پردازد.

■ مستند «ایستاده در کنار تیمز» به کارگردانی سیدمصطفی موسوی تبار روایت زندگی و نقش تأثیرگذار شهید سیدمحمد صنیع خانی است.

■ مستند «برای دخترم» به کارگردانی مهدی عوض زاده ترک تحصیل دانش آموزان را در مناطق محروم بررسی می کند.

■ مستند «جنگل قائم» به کارگردانی و تهیه کنندگی حامد سعادت درباره چگونگی ساخت جنگل دست ساز قائم است که برای جلوگیری از ورود ریزگردها به شهر کرمان ساخته شده است.

■ مستند «در سپهر ایران» به کارگردانی و تهیه کنندگی مجید کریمی سفری است به سپهر ایران برای بازشناسی فرهنگ، تمدن و باورهای مردم فلات ایران در معماری، اسطوره و عناصر فرهنگی مختلف.

■ مستند «رؤیای ناتمام» به کارگردانی سارا طالبیان به رقابت های جام ملت های آسیای فووتسال بانوان و صعود تیم ملی بانوان کشورمان به جام جهانی می پردازد.

■ مستند «شاخه ای روی آب» به کارگردانی محمدمهدی حبیبی از زاویه ای جدید و متفاوت به زندگی شهید محمدمهدی طهرانچی می پردازد.

■ مستند «فراموش شده» به کارگردانی مهدی افشارنیک با هدف برجسته سازی یکی از بزرگ ترین بحران های زیست محیطی ایران، یعنی تخریب تالاب هورالعظیم ساخته شده است.

■ مستند «محاکمه آزادی» به کارگردانی و تهیه کنندگی محمدعبدی به زندگی مهدی بازرگان و چگونگی دستگیری او، دلایل وقوع بازداشت، مراحل محاکمه، دفاعیات او در دادگاه و تجربیات زندگی اش در زندان می پردازد.

■ مستند «میرپام» به کارگردانی و تهیه کنندگی سیدمحمدعلی صدری نیا با روایتی انسانی و خطی داستانی، به مقطعی بحرانی از جنگ رژیم صهیونیستی با لبنان می پردازد.

■ مستند «نامش زن» به کارگردانی و تهیه کنندگی ماریسا ماوتی ماجرای حمله به ساختمان های اطراف شیرخوارگاه آمنه در جنگ ۱۲ روزه و انتقال نوزادان به شیرخوارگاه شیر است.



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین المللی فیلم فجر

44nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL
شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۱



پل را بالا نبر رودخانه را پایین بیاور

جشنواره فجر با جدا شدن بخش بین الملل سبک بال تر به مسیرش ادامه می دهد

◀ مسعود بویا

جشنواره فیلم فجر جز در نیمه دوم دهه ۶۰ و مقطعی از دهه ۷۰، بیشتر به عنوان رخدادی ملی مطرح بوده تا جهانی. در نیمه دوم دهه ۶۰ تشنگی علاقه مندان سینما به تماشای فیلم هایی که در دسترس عموم نبودند، با ریل گذاری های مدیریت وقت سینما همراه شد و نتایج اش رونق و استقبال مخاطبان جشنواره از فیلم های کلاسیک و کشف تارکوفسکی و پاراجانف بود. صف های طولانی مقابل سینما عصر جدید در جشنواره های ششم و هفتم برای بخش مرور آثار تارکوفسکی و پاراجانف و خاطره جمعی تماشای «پول» روبرسون در همین سال ها، محصول اتمسفر فرهنگی دهه ۶۰ و کوشش برنامهریزان فیلم فجر، برای تجدید خاطرات فستیوال جهانی فیلم تهران بود. البته فستیوال جهانی فیلم تهران به عنوان معتبرترین جشنواره سینمایی قاره آسیا در دهه ۷۰ میلادی با اهداف، چشم اندازها و ویژگی هایی متفاوت از آنچه جشنواره فجر برایش تدارک دیده، تاسیس شده بود. هدف برگزار کنندگان فستیوال تهران، برپایی جشنواره ای جهانی با تمام ابعادش بود و مدیران جشنواره فجر، بیش از هر چیز به فکر ویتربینی برای نمایش تمام داشته های سینمای ایران بودند. به این ترتیب جشنواره فجر حتی در دوران شکوفایی بخش بین المللش هم بیش و پیش از هر چیز به عنوان رخدادی ملی به رسمیت شناخته شد.

جشنواره فجر با تغییر مدیریت سینما مسیر عوض می کرد ولی تا سال ها ساختاری را که برای بخش بین المللش طراحی شده بود، حفظ کرد. بزرگداشت و مرور آثار فرانچسکو رزی و کنستانتین کوستا گاوراس در هجدهمین دوره جشنواره که با حضور این دو سینماگر نامدار در تهران همراه شد یکی از آخرین نقاط اوج به یادمانده از فجر بین الملل است؛ جشنواره ای که بخش بین المللش در دهه ۸۰- عصر دسترسی آسان به محصولات سینمای جهان - از معنا تهی شده بود و ماجرای دادن سیمرغ هایش به سفیر سوئیس و کاردار فرانسه که به نیابت از برگزیدگان نامدار جوایز روی سن می آمدند، معمولاً با کنایه رسانه ها مواجه می شد. در انتهای دهه ۸۰ همه می دانستند بخش بین الملل جشنواره فیلم فجر، به یک شوخی تلخ با علاقه مندان سینما تبدیل شده و کوششش برای نگاه به شرق و کشف سینماگران گمنام کشورهای دور و نزدیک، حاصلی در بر نخواهد داشت.

جشنواره جهانی فیلم فجر، از دل بن بست بخش بین الملل جشنواره به وجود آمد؛ جشنواره ای که محصول فرهنگی سیاست تنش زدایی و میوه سینمایی برجام بود. پس از تجربه ناموفق دوره اول، از دوره دوم جشنواره جهانی فجر بادبیری رضامیر کریمی برگزار شد تا همانطور که مدیریت فستیوال تهران را سینماگری شناخته شده برعهده داشت، کارگردانی شناخته شده سکان

هدایت جهانی فجر را عهده دار شود. به این ترتیب جریان معروف به طیف خانه سینما که در سال های ۸۸ تا ۹۲ بیشترین اختلاف و درگیری را با مدیریت سینمایی دولت دهم داشت، در دولت یازدهم عهده دار برپایی جشنواره جهانی فجر شد. رضامیر کریمی و همراهانش با برپایی متمرکز جشنواره در چارسو و کوشش برای ارتقای سطح برگزاری و راه اندازی بخش های جنبی - مثل کارگاه های آموزشی و تخصصی - کوشید برای فستیوال، مخاطب تربیت کند. برگزاری گعده ای جشنواره جهانی فجر، انتقادهایی به دنبال داشت؛ انتقاد به تبدیل یک فستیوال به حیاط خلوت گروهی خاص و برگزاری گلخانه ای رخدادی سینمایی، گرچه وارد به نظر می رسید، اما نمی شد دستوردهای جهانی فجر را هم انکار کرد. عضویت در فیاف یکی از این دستاوردها بود. جهانی فجر هرگز فستیوال فیلم تهران نشد ولی هرچه بود از بخش بی کار کرد و تشریفاتی بین الملل جشنواره فیلم فجر بهتر بود.

سال سیاه کرونا که از راه رسید جشنواره جهانی فجر هم که حالا محمد مهدی عسگرپور دبیری اش را عهده دار شده بود به کمarf و در سال های بعد هم با تغییر دولت، دست متولیان تازه به سمت دکمه «کنترل زد» رفت تا همه چیز به نقطه ابتدایی بازگردد. جشنواره فیلم فجر دوباره صفت بین المللی به خود گرفت و جهانی فجر به عنوان رخدادی مستقل به پایان راهش رسید. شرایط اجتماعی فرهنگی جامعه ایران در آغاز قرن تازه شباهتی به آنچه در دهه ۸۰ شمسی شاهدش بودیم، نداشت و نتیجه اینکه اضافه کردن بخش بین الملل به جشنواره فجر، تنها روی کاغذ رخ داد. در سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ هیچ کس متوجه نشد که فیلم های بخش بین الملل چگونه و در چه فرایندی انتخاب و داوری شدند و برای کدام مخاطب فرضی به نمایش در آمدند. در اقدامی منحصر به فرد در جهان، اسامی فیلم های بخش بین الملل، به صورت شب به شب رخدادی را رقم زد که سعی در انکار جایگاه واقعی خود به عنوان جشنواره ای محلی را داشت.

با تغییر دولت، وقتی کشتی بان سینمای ایران هم تغییر کرد، قرار شد جشنواره جهانی فیلم فجر دوباره پرچم استقلالش را برافراشته کند و شیراز میزبان رخدادی شد که قرار بود فصل تازه ای در کارنامه پرفراز و نشیب این جشنواره رقم بزند؛ قضاوت کردن درباره ترکیب فیلم های پذیرفته شده در جشنواره و کیفیت برگزاری اش با کسانی که در آن ایام در شهر حافظ و سعدی این رخداد را دنبال کردند. آنچه در لانگشات مشهود به نظر می رسد دشواری راه و طی طریق در مسیری پر سنگلاخ است. راستش را بخواهید با این سیاستگذاری های مقطعی، ترسیم چشم اندازی روشن برای جشنواره ای که حالا میزبان هم عوض کرده، اگر غیر ممکن نباشد بسیار دشوار است. اما در مورد جشنواره ملی فیلم فجر، نمی توان تردید داشت که بدون زانده بخش بین الملل، سبک بال تر به حرکتش ادامه می دهد. همین که در بهمن ماه قرار نیست در یک بستر به ۲ رؤیای اندیشیده شود، باید غنیمت شمرد.